

کاربرد روش «استنباطی - تحلیلی» در پژوهش‌های مدیریتی

az.khalili57@gmail.com

pourezzat@ut.ac.ir

jafari@qabas.net

عزیزالله خلیلی / دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه و دانشجوی دکتری مدیریت

علی اصغر پور عزت / دکتری مدیریت با گرایش خطمشی‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران

محمد حسن جعفری / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰

چکیده

«روش پژوهش» در همه علوم، از جمله علوم انسانی از اهمیت خاصی برخوردار است و اعتبار پژوهش به روش آن بستگی دارد. یکی از روش‌های قابل پی‌گیری در پژوهش‌های علوم انسانی، روش «استنباطی - تحلیلی» است. روش «استنباطی - تحلیلی»، روشی مرکب از روش «اجتهاد» مرسوم در حوزه‌های علمیه و روش «تحلیل مضمون» (Theme analysis) است. روش اجتهادی مرسوم در حوزه‌های علمیه، تبیین‌کننده سند روایات و دلالت آیات قرآن و روایات و همچنین دلالت سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ بر اساس سایر آیات و روایات و قواعد فقهی و اصولی است. بر اساس روش اجتهادی مرسوم، می‌توان کدها و زیر مقوله‌ها را استخراج کرد و با تحلیل بیشتر بر اساس روش «تحلیل تم» (مبتنی بر داده‌های متنی)، می‌توان مضمون‌ها را از زیر مقوله‌های به دست آمده در روش استنباطی استخراج نمود. این پژوهش، کوشیده است از یک‌سو، گام‌های «روش اجتهادی» و روش «تحلیل تم» و ترکیب آن دو را تبیین کند، و از سوی دیگر، امکان کاربست روش ترکیبی در پژوهش‌های مدیریتی بررسی شود. پژوهش حاضر براساس روش «اسنادی و تحلیلی» انجام گرفته و حاصل آن، طراحی روش مرکب از روش «اجتهادی» و «تحلیل تم» است. علاوه بر آن مراتب سازگاری این روش با پژوهش‌های مدیریتی و اسلامی بررسی شده، گام‌های این روش برای کاربست در پژوهش‌های مدیریتی برشمرده است.

کلیدواژه‌ها: روش اجتهادی، روش تحلیل تم، روش ترکیبی، کاربرد روش استنباطی و تحلیلی، پژوهش‌های مدیریتی.

مقدمه

«روش پژوهش» در همهٔ علوم، از جمله در علوم انسانی، حایز اهمیت بسیار است؛ تا آنجا که می‌توان گفت: اعتبار پژوهش به روش آن بستگی دارد. ادعای پژوهش حاضر آن است که می‌توان از روش ترکیبی «استنباطی - تحلیلی»، در پژوهش‌های مدیریتی از دیدگاه اسلام نیز استفاده کرد. مراد از روش «استنباطی - تحلیلی»، ترکیبی از روش «اجتهادی» مرسوم در حوزه‌های علمیه و روش «تحلیل مضمون» است. با روش اجتهادی مرسوم در حوزه، می‌توان تا مرحلهٔ رمزگذاری و زیرمقوله سازی اقدام کرد که این سطح برای نظریه‌پردازی کافی نیست. سپس با تحلیل بیشتر با روش «تحلیل تم» (مبتنی بر داده‌های متنی)، می‌توان از زیر مقوله‌های به دست آمده از روش «استنباطی»، مقوله‌ها و روابط آنها را استنباط نمود.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که روش «اجتهادی» دقیقاً چگونه است؟ و چه مراحل را طی می‌کند؟ و چگونه می‌توان آن را با روش «تحلیل تم» ترکیب کرد؟ در این پژوهش، تلاش بر این است که از یک سو، گام‌های روش «اجتهادی» و روش «تحلیل تم» و ترکیب آن دو مقایسه شود؛ و از سوی دیگر، گام‌های روش «استنباطی - تحلیلی» در پژوهش‌های مدیریتی تعریف گردد، تا کاربرد آن روش به صورت ملموس‌تر برای دانش‌پژوهان مدیریتی از دیدگاه اسلامی، قابل استناد باشد. برای روشن شدن این موضوع که روش «اجتهادی» به خودی خود، به نظریه‌پردازی منجر نمی‌شود و لازم است که این روش با روشی همچون «تحلیل تم» برای نظریه‌پردازی تکمیل گردد، مثالی بیان می‌شود. روش اجتهادی به صورت دقیق و متقن بر اساس آیات و روایات و ادلهٔ دیگر، در خصوص زکات، خمس، انفاق، نذر، فیه و نظایر آن، که خطمشی توزیع مجدد در اسلام را شکل می‌دهد، احکام تک تک مسائل را مشخص می‌کند. برای مثال، مشخص می‌کند که چه کسی، با چه شرایطی باید زکات بدهد؛ به چه مالی و با چه شرایطی زکات تعلق می‌گیرد؛ یا در چه زمانی زکات واجب می‌شود. همچنین مشخص می‌کند خمس بر چه کسی و با چه شرایطی واجب است؛ یا به چه مالی و با چه شرایطی خمس تعلق می‌گیرد. نیز دربارهٔ انفاق، نذر، فیه و انفال احکام آن به صورت مجزا توسط مجتهد با روش «اجتهادی» از داده‌های دینی استخراج می‌شود؛ ولی برای نظریه‌پردازی این احکام کافی نیست؛ زیرا در نظریه‌پردازی، نظریه‌پرداز درصدد این است گزاره‌های متعدد و متکثر در خصوص یک موضوع را در یک نظام جامع قرار دهد و از گزاره‌های متفاوت در خصوص یک موضوع، به یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری منسجم دست یابد. بنابراین، اگر بخواهیم در سطح بالاتر از آن احکام جزئی گام برداریم، باید علاوه بر روش‌هایی که منجر به تولید احکام جزئی می‌شود، از روش‌های دیگر هم استفاده کنیم که تولیدکنندهٔ آن نگاه جامع و نظریهٔ کلان است.

روش «اجتهادی» موجود فراتر از تولید احکام فرعی و متنوع را عهده‌دار نمی‌گردد و حتی ممکن است فراتر رفتن از آن را شرعی نداند. در خصوص مثال ذکر شده، اگر ما به عنوان مجتهد نظریه‌پرداز بخواهیم دربارهٔ ابعاد گوناگون زکات، خمس، نذر، انفاق، وقف، فیه و انفال نظریه‌پردازی کنیم، باید به انتزاعی‌سازی احکام ذکر شده تا

رسیدن به یک کلیت ادامه دهیم که در آن متغیرهای مؤثر بر پرداخت و توزیع زکات، متغیرهایی زمینه‌ای پرداخت و توزیع زکات، متغیرهای راهبردی پرداخت و توزیع زکات، متغیرهایی که به عنوان میانجی در نحوه پرداخت و توزیع زکات عمل می‌کند و متغیرهای پیامدی پرداخت و توزیع زکات، تبیین شده است. برای نظریه‌پردازی، این هم کافی نیست، بلکه برای انتزاعی‌سازی در سطح بالاتر، ضرورت دارد که متغیرهای متعدد را تحت یک بعد کلی‌تر تجرید کنیم تا به ابعاد نظریه برسیم. برای نظریه‌پردازی این سطح هم کافی نیست، بلکه باید روابط متغیرها و ابعاد بر اساس الگوی پارادایمی تبیین شود؛ اما روش «اجتهاد» به هیچ یک از این مراحل نمی‌پردازد یا آنها را شرعی نمی‌داند. بنابراین، ضرورت دارد به روشی دیگر برای تکمیل روش اجتهاد در نظریه‌پردازی متوسل شویم.

برای مثال، روش «تحلیل مضمون» احکام استنباط شده را کنار هم قرار می‌دهد و از شباهت و تفاوت آن‌ها برای الگوسازی، مقوله‌های کلان‌تر می‌سازد. برای نمونه، ممکن است با استفاده از این روش، این نظریه تولید شود که موضوع زکات در اسلام، دارای چهار مؤلفه زکات‌دهنده، زکات‌گیرنده، حکومت اسلامی، و اموالی است که زکات به آنها تعلق می‌گیرد. بر این اساس، حکم زکات برای این است که زکات دهنده از لحاظ روحی تزکیه شود؛ زکات‌گیرنده مشکلات مالی و معیشتی‌اش برطرف شود؛ و حکومت اقتدار پیدا کند و اموال و اقتصاد جریان یابد. این‌گونه تحلیل‌ها بر اساس روش «اجتهادی» متداول قابل استنباط نیست و برای دستیابی به آنها، لازم است روش‌های دیگری در کنار روش مرسوم قرار گیرد.

هدف این پژوهش تبیین کاربرد روش «استنباطی - تحلیلی» در پژوهش‌های مدیریت اسلامی است و با انگیزه کاربردی کردن روش مزبور در پژوهش‌های مدیریتی، انجام شده است.

در این پژوهش، ابتدا مفهوم و مراحل روش «اجتهادی» و همچنین مفهوم و مراحل روش «تحلیل مضمون» و ترکیب آن دو در روش «استنباطی - تحلیلی»، بررسی شده است و سپس کاربرد روش اخیر در پژوهش‌های مدیریتی مدنظر قرار گرفته است.

روش «اجتهادی»

در توصیف روش «اجتهادی»، لازم است ابتدا مفهوم و سپس مراحل آن تبیین گردد. از این‌رو، مفهوم «روش»، «اجتهاد»، «روش اجتهادی» و مراحل روش اجتهادی - به ترتیب - تبیین گردد:

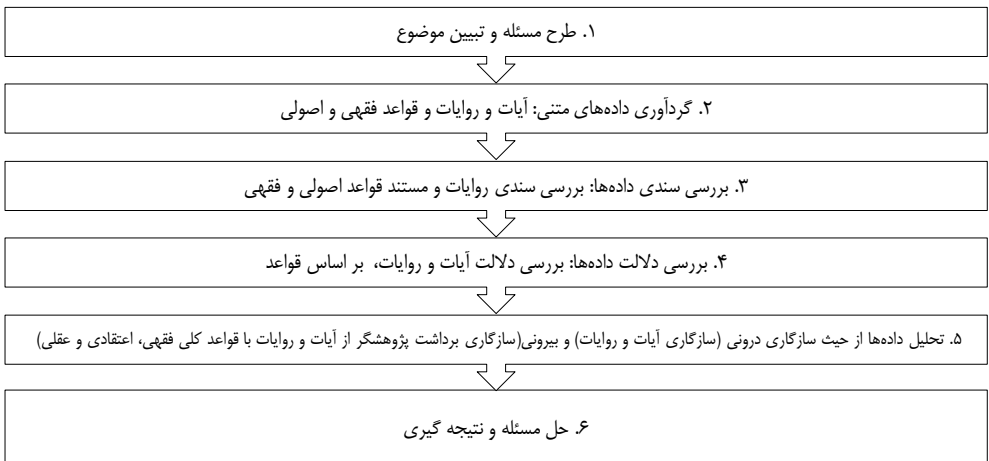
مفهوم‌شناسی

مراد از «روش» در هر علمی، شیوه استدلال‌ها یا مسیر و قالب و یا فونونی است که برای به دست آوردن و تحلیل داده‌ها، به منظور ایجاد دانش و آگاهی به کار برده می‌شود (مرادی، ۱۳۹۳، ص ۹۹). «روش» در کاربرد فقها، بیشتر به مفهوم طریقه، مسلک و مشرب مدنظر قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۷۸، ص ۱۹ و ۲۰).

مفهوم لغوی «اجتهاد»، مشقت و سختی یا توان و نیرو است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۳ / ابن اثیر، ۱۳۷۶، ص ۹۱۲). مفهوم اصطلاحی آن «رأی و قیاس» (شافعی، بی تا، ص ۴۷۷؛ جصاص، ۱۴۲۰ق، ص ۲۰۱ / جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰) یا «استحصال ظن به حکم شرعی» (محمدابراهیم جناتی، ۱۳۶۵، ص ۸؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۲، ص ۴۷۳) یا «به دست آوردن حکم از راه ظن معتبر یا علم» (غزالی، بی تا، ص ۳۵۰ / خضری، ۱۴۰۳ق، ص ۸۷ / نجم‌الدین حلی، بی تا، ص ۱۱۷) یا «استنباط حکم با حجت شرعی» (خراسانی، ۱۴۱۵، ص ۴۲۲) و یا «گفتمان ویژه» است (فیرحی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۱؛ آل غفوره، ۱۳۸۴، ص ۹۹ و ۱۰۰). در اصطلاح اول، اجتهاد دلیل یا منبع و در اصطلاح دوم، سوم، و چهارم، اجتهاد یک شیوه است (علی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲ و ۱۹۳). در تعریف پنجم نیز اجتهاد یک گفتمان و ابزار است. پژوهشگران حاضر تعاریف سوم و چهارم را مطلوب و دارای معیاردانسته، معتقدند: روش اجتهادی یعنی: «به کاربردن شیوه و روش خاص برای به دست آوردن حکم شرعی از منابع معتبر دینی» (ر. ک. حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۴).

مراحل روش «اجتهادی»

شناسایی مراحل اجرای روش اجتهادی، از مهم‌ترین مسائل در پژوهش‌های کیفی دربارهٔ امور دینی است. شناسایی گام‌های متوالی، که سیر انجام پژوهش را نشان می‌دهد، زیرساخت مهم روش پژوهش‌های کیفی دینی است. روش اجتهادی نیز همانند سایر روش‌ها، طی چند مرحله انجام می‌شود (قوامی، ۱۳۹۱، ص ۸۰). نمودار ذیل مراحل روش اجتهادی را نشان می‌دهد:



نمودار (۱): گام‌های متداول در روش اجتهادی

اول. طرح مسئله و تبیین موضوع

اولین گام در روش «اجتهادی»، طرح مسئله و تبیین موضوع است. تا زمانی که مسائل و ابعاد آنها به درستی

شناخته نشده باشد، نمی‌توان داده‌های متون دینی را برای حل آنها جست‌وجو، و تحلیل کرد (حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲). طرح مسئله در روش «اجتهادی» دو مرحله دارد: سیر تطور و ریشه‌یابی تاریخی مسئله، و بررسی اقوال علما (صافی گلپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۱۳-۱۶ / قوامی، ۱۳۹۱، ص ۸۰).

دوم. گردآوری داده‌های متنی: آیات و روایات و قواعد فقهی و اصولی

در این گام، کل داده‌های منابع مربوط به مسئله پژوهش نظیر آیات، روایات و قواعد فقهی و اصولی، به تربیت اولویت و بر حسب دسترسی به داده‌های معتبر و مؤید، گردآوری می‌شوند (حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۷ / صافی گلپایگانی و همکاران ۱۳۷۳، ص ۱۶ و ۱۷). در این روش، داده‌ها به دو دسته معتبر و مؤید تقسیم می‌شوند. «داده‌های معتبر»، داده‌هایی است که برای علمای اسلام پذیرفته شده است؛ مانند قرآن و سنت معتبر و همچنین قواعد اصولی و فقهی معتبر (قوامی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴ / حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲ / محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ص ۲). «داده‌های مؤید» مشتمل بر داده‌های است که به صورت کامل مورد تأیید دین نیست، ولی در موارد و شرایط خاص، قابل قبول تلقی می‌شوند؛ مانند مثل داده‌های حاصل از اجماع، عقل، بنای عقلا، شهرت و سیره عقلا (صمصام‌الدین قوامی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴ و ۱۳۷ و ۱۳۷-۱۴۳ / سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۲۲؛ حقانی، ۱۳۷۴، ص ۳۴۱-۳۴۴؛ محمدی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۶-۱۶۱).

سوم. بررسی سندی داده‌ها: روایات و مستند قواعد اصولی و فقهی

قرآن حکیم به بررسی سندی نیاز ندارد؛ زیرا سند آن متواتر است (قوامی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶). در باب روایات، همه روایات از دیدگاه اصولیان معتبر نیست و باید از حیث سند بررسی شوند (حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳ / حسینی، ۱۳۷۸، ص ۲۳). روایات از حیث سند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: مسند و غیرمسند. «روایات مسند»، سند معلوم دارند، و مراد از «غیرمسند»، یا مرفوعه و مرسله است که بی‌سند است و یا مقطوعه که اخلاص در سند دارد (عاملی، ۱۴۰۸، ص ۵۳ و ۷۷-۷۹ / صافی گلپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۲۷). اعتبار روایات مسند را از این راه‌ها می‌توان بررسی کرد:

الف) بررسی تخصصی با روش‌های رصد احوال راویان؛

ب) ارجاع روایات و طبقه‌بندی راویان و در کل، قدرت اجتهاد رجالی (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵؛ صافی گلپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۱۷ و ۱۸ و ۲۷ و ۴۳ و ۳۳-۳۱)؛

ج) مراجعه به کتب رجالی از باب شهادت، یا رجوع به خبره و اهل فن (صافی گلپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۲۱-۲۳ و ۲۴۸-۲۵۷ / سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۴۰-۴۲)؛

د) اعراض و عمل اصحاب (سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۲۱-۲۵ / صافی گلپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۲۶۲ و ۲۶۳)؛

ه) طبقه‌بندی کتب روایی بنا به نظر اخباری‌ها (بحرانی، بی‌تا، ص ۱۳-۲۴ / سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۳۵ و ۳۶ / صافی گلپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۲۱ و ۳۴-۳۹).

سند داده‌ها را می‌توان بر اساس معیارهای معتبر نقد کرد؛ معیارهایی نظیر: عدالت راوی؛ ثقه بودن راوی؛ و وثوق به صدور روایت (سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۳۱-۲۵). برخی نیز دو معیار شهادت «عن حس» نه «عن حدس»، و رجوع به خبره و اهل فن قابل اطمینان (صافی گلیپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۲۱-۲۵) را معیار می‌دانند. «داده‌های قابل وثوق» داده‌هایی هستند که سند معتبر دارند؛ که شامل: خبر واحد معتبر، یعنی خبر مقبول و خبر مستفیض (عاملی، ۱۴۰۸، ص ۶۹-۷۱ / سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۳۴ و ۱۲۷)؛ و خبر متواتر (عاملی، ۱۴۰۸، ص ۶۲-۶۵ / سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۲۳). داده‌های غیرقابل وثوق در تحلیل سندی نیز داده‌هایی هستند که از حیث سند خدشه دارند یا سندشان مقطوع است، یا راوی تضعیف شده دارند، و یا مجهول هستند (عاملی، ۱۴۰۸، ص ۷۷ و ۷۹ و ۹۲ و ۹۷ / سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۵).

چهارم. بررسی دلالت داده‌ها: بررسی دلالت آیات و روایات بر اساس قواعد

در این گام، محقق درصدد فهم درست مضمون متن و داده و مضامین موجود در داده‌هاست. این گام شامل پنج حیطه بررسی است: ادبی، منطقی، زمینه‌ای، نسخه‌ای و عرفی. در «بررسی ادبی»، تبیین مفهوم لغوی، ساختاری، نقشی، و برداشتی واژه و جمله، بر اساس قواعد فهم متن و به دور از تحمیل ایده، مد نظر است (حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳) که شامل بررسی لغوی: یعنی، شناخت مفهوم اولی واژگان، به ویژه واژگان چند مفهومی در لغت نامه‌ها (صافی گلیپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۱۹ و ۲۰)؛ «بررسی صرفی و نحوی»، یعنی: شناخت ساختار واژگان و نقش واژه و شبه واژه در جمله و مفهوم آنها (حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴ / صافی گلیپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۱۹)؛ و «بررسی بلاغی» نیز هویداگر برداشت اولیه و ثانویه از متن، انواع صور خیال و آرایه‌های ادبی است.

مراد از «بررسی منطقی» آن است که مجتهد باید با انواع قضایا، استدلال‌ها و اشکال قیاس و ترتیب حدود منطقی و تمیز دادن استدلال‌های منتج از استدلال‌های عقیم آشنا بوده، و در حد نیاز در استدلال‌های مبتنی بر استنباط از متون دینی، بر آنها (خصوصاً در داده‌های عقلی) تسلط داشته باشد (حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴). منظور از «بررسی زمینه‌ای» بافت زمانی، فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی نزول آیه و صدور روایت است که چرایی نزول آیه و صدور روایت را بیان می‌کند که این مهم مستلزم تسلط بر تفسیر قرآن و تسلط بر کتب روایی است (صافی گلیپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۱۵ و ۱۶ / حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳ / حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵). مراد از «بررسی عرفی» نیز فهم دقیق متن، مبتنی بر قواعد ارتکازی است که عقلای مخاطب کننده متن آن را قبول دارند (علی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰ و ۱۹۱ / حسنی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰).

پنجم. تحلیل داده‌ها از حیث سازگاری درونی و بیرونی

در این مرحله، سعی بر استخراج مضمون تک تک داده‌ها، مقایسه آنها و استخراج مضمون نهایی است. حال معیار

تحلیل داده‌ها در این گام چیست؟ علاوه بر اعمال معیارهایی که در مرحله قبل بیان شد، می‌توان دو معیار برای تحلیل در این مرحله مدنظر قرار داد: یکی هم‌نواپی درونی داده‌ها، و دوم هم‌نواپی بیرونی آنها. در معیار تحلیل داده‌ها بر اساس هم‌نواپی درونی، آیات کنار هم و روایات کنار هم از حیث هم‌نواپی و ناهم‌نواپی مقایسه می‌شوند؛ ضابطه تقدم برخی داده‌ها بر برخی دیگر اعمال می‌گردد؛ سپس حکم نهایی، از مضامین مجموع داده‌ها حاصل می‌گردد (حسینی، ۱۳۷۸، ص ۲۳ / صافی گلپایگانی و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۱۹ و ۲۰). مراد از «هم‌نواپی» و «ناهم‌نواپی بیرونی» مقایسه مضمون برداشت‌شده از آیات و روایات با مبانی فقهی، اعتقادی و عقلی است.

ششم. حل مسئله و نتیجه گیری

در روش «اجتهادی»، پس از تحلیل دلالت داده، این آخرین مرحله است که پژوهشگر پس از کشف مراد جدی شارع، مراد و معنای به دست آمده را در شکل و صورت قیاس منطقی، سامان‌دهی نموده، استنتاج می‌کند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳) و حکم شرعی را بیان می‌دارد.

روش «تحلیل تم»

روش «تحلیل تم» یکی از روش‌های کیفی پژوهش است. در ادامه، مفهوم و مراحل این روش بررسی و تشریح می‌گردد:

مفهوم‌شناسی

برخی «مفهوم تم» را مبین اطلاعات مهم درباره داده‌ها و سؤالات پژوهش و نشان‌دهنده الگوی موجود در میان داده‌ها دانسته و آن را توصیف‌گر، سازمان‌دهنده و مفسر مشاهدات و جنبه‌های پدیده می‌دانند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۹ / عباسیان و همکاران، بی‌تا، ص ۱۰۷) و چنین تعریف می‌کنند: «تم، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که از نگاه پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات پژوهش است» (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹).

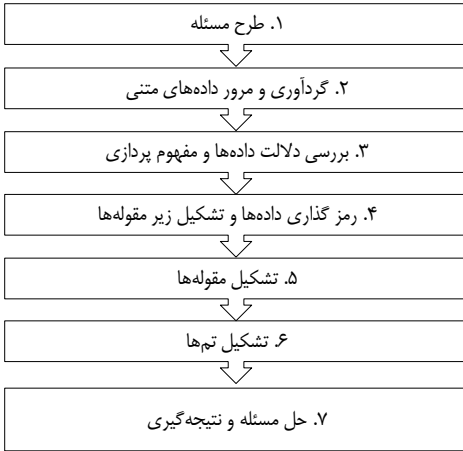
«تحلیل تم»، به صورت کلی، عبارت است از: آشنایی با داده‌ها، اختصاص یک رمز به داده، مقایسه رمزها، جمع‌آوری داده‌های بیشتر و رمزگذاری مجدد و رسیدن به رمزهای عام و فراگیر (مرادی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸). «تحلیل تم» روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (خان‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۱ / سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳) که با فراگرد خاص، داده‌های متنی پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (مهری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۱ / شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲). «رمزگذاری»، نشانگر عملیاتی است که طی آن، داده‌ها ابتدا، خرد، مفهوم‌پردازی، و سپس با روش‌های جدید، دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۵۷). یا فراگردی است که قسمت‌هایی از داده‌ها به صورت مرتبط با نمونه‌ای از یک ایده کلی‌تر، که همان تم است، مشخص می‌شوند (آن و سیلور، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

گام‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات در «تحلیل تم»

مراحل و گام‌های عملی تجزیه و تحلیل اطلاعات در «تحلیل تم» را می‌توان به صورت ساده، - همان‌گونه که در شکل ذیل به تصویر کشیده است - ترسیم کرد:

مراحل تجزیه و تحلیل اطلاعات در «تحلیل تم»

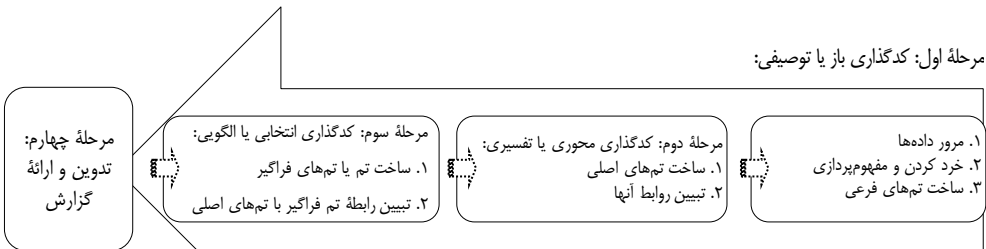
این مراحل را به صورت فنی‌تر می‌توان به چهار مرحله اساسی و هفت گام فرعی تقسیم کرد. البته درباره



نمودار (۲): گام‌های متداول در «تحلیل تم»

نحوه مرحله‌بندی، دیدگاه اندیشمندان متفاوت است. برخی آن را به رمزگذاری توصیفی، تفسیری و الگویی (آن و سیلور، ۱۳۸۹، ص ۲۳ / مه‌ری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۲)؛ برخی به آماده‌سازی، انتخاب نمونه و رمزگذاری توصیفی و کدگذاری تفسیری (خان‌محمدی، واعظی، و دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۳۱ و ۳۲)؛ برخی نیز بر اساس رویکرد استقرایی، به رمزگذاری باز، محوری و انتخابی (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۶۱ و ۹۷ و ۱۱۸) تقسیم نموده‌اند. مراحل و گام‌های «تحلیل تم» - چنانچه در شکل ذیل ترسیم شده است - در سطور آتی بیان خواهد شد:

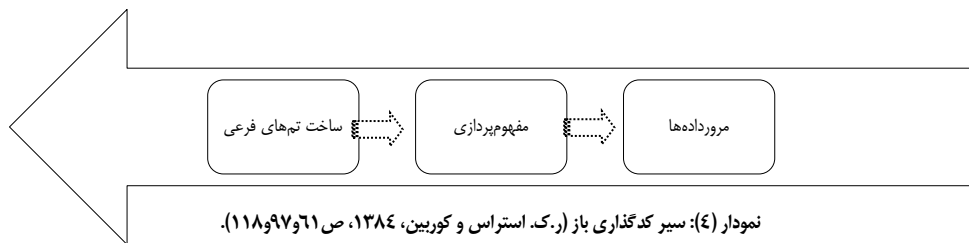
مرحله اول: کدگذاری باز یا توصیفی:



نمودار (۳): سیر تحلیل تم (ر. ک. استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۶۱ و ۹۷ و ۱۱۸)

اول. کدگذاری باز یا توصیفی

در مرحله کدگذاری باز یا توصیفی - چنانچه در تصویر ذیل آمده است - چند گام برداشته می‌شود که شامل مرور داده‌ها، خرد کردن داده‌ها و مفهوم‌پردازی، و ساخت تم‌های فرعی است.



الف. مرور داده‌ها

در این گام، باید منابع مکتوب با توجه به ماهیت و پرسش‌های پژوهش شناسایی شوند و با آنها آشنا شویم (خان محمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۱ / شیخ زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷ و ۱۷۸)؛ مصاحبه‌ها پیاده و یادداشت‌ها مهیا و داده‌ها جمع‌آوری و در صورت لزوم، مکتوب گردند (سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴ / روشندل اربطانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۸۷ و ۸۸). داده‌های حاصل از مطالعه اولیه باید مکرر مرور شود و محقق با عمق و غنای محتوای آنها کاملاً آشنا گردد (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹ / مهری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۲).

ب. خرد کردن و مفهوم‌پردازی

مراد از «خرد کردن»، تقسیم متن‌های قابل استفاده به اجزای کوچک‌تر، مثل کلمه، جمله، عبارت و بند است، و مراد از «مفهوم‌پردازی» کاوش معانی گوناگون و محتمل آن اجزا، دستیابی به معنای کلی متن و یافتن جوهره اصلی آن و نام‌گذاری آنها به مفهومی قابل فهم، و برجسته کردن آنها برای به دست آوردن فهرست اولیه از ایده‌ها و مفاهیم مستقل موجود در داده‌هاست (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۶۳ و ۸۱-۸۴ / گروسی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۴ / آن و سیلور، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

ج. ساخت تم‌های فرعی

در این گام، مفاهیم و ایده‌های مطلوب نام‌گذاری شده، مقایسه و نام‌گذاری مجدد می‌گردند و سپس مفاهیم مشابه بر اساس محورهای خاص پدیده‌ها، گروه‌بندی شده، به هم مرتبط می‌گردند و طبقه‌های معنادار و خاصی پدید می‌آیند، با نام مناسب که «تم‌های فرعی» نامیده می‌شوند. این مفاهیم نشانگر ویژگی‌های جالب، ممتاز و متعدد داده‌ها، و مرتبط با سؤال‌ها و قلمرو پژوهش بوده (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۶۳ و ۶۵ / عباسیان و همکاران، بی‌تا، ص ۱۰۷ / مهری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۲ / سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴)، به سامان‌دهی بهتر یافته‌ها کمک می‌کنند.

دوم. رمزگذاری محوری یا تفسیری

در مرحله کدگذاری محوری یا تفسیری، پژوهشگر درصدد ساخت تم‌های اصلی از تم‌های فرعی مرحله قبل و برجسته کردن روابط آنهاست (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۹۷ و ۹۸ و ۱۱۶؛ آن و سیلور، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

الف. ساخت تم‌های اصلی

تم‌های اصلی، تم‌هایی هستند که هر کدام، محور چند تم فرعی بوده و سازمان‌دهنده‌اند و از خوشه‌بندی تم‌های فرعی یا پایه استخراج می‌شوند (خان‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۲ / گروسی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۴). در روند انتزاعی‌سازی، بر سطحی بالاتر از تم‌های فرعی و کدها تمرکز شده، تم‌های فرعی گوناگون از طریق برجسته‌سازی و قالب، ماتریس و تحلیل مقایسه‌ای مضامین، تجزیه و تحلیل، ترکیب و تلفیق می‌گردند تا تم‌هایی به اندازه کافی، خاص، مجزا و غیرتکراری و نیز به اندازه کافی، کلان به دست آیند (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰ و ۱۸۱ / مهری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۲ و ۸۳).

ب. تبیین روابط بین آنها

در این گام، تم‌های فرعی از طریق الگوی پارادایمی (یعنی: شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط میانجی، راهبردهای کنش / کنش متقابل و پیامدها) به تم اصلی مرتبط می‌شوند تا نقشه‌ای از تم‌های اصلی و فرعی و روابط آنها شکل گیرد (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰ و ۱۲۶ / شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸).

سوم. کدگذاری انتخابی یا الگویی

مراد از «رمزگذاری انتخابی یا الگویی» روند منظم انتخاب تم نهایی و فراگیر، و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پرکردن جاهای خالی با تم‌هایی است که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند. رمزگذاری انتخابی همانند مرحله قبل است، اما در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر؛ زیرا در این مرحله، تم‌های اصلی ترکیب می‌شوند و از میان آنها، تم نهایی گزینش می‌گردد (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸ و ۱۱۹ / آن و سیلور، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

ج. ساخت تم یا تم‌های فراگیر

«تم فراگیر»، مفهوم انتزاعی و عام مستخرج و مضمون‌گیری (تم‌گزینی) شده حاصل از ادغام تم‌های اصلی است (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸ و ۱۲۳ / شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸). در این مرحله، ممکن است چند تم نهایی و فراگیر یا شبکه‌هایی از تم‌ها پدید آیند که در این صورت، باید یکی به منزله تم نهایی و فراگیر انتخاب شود و سایر تم‌های اصلی به آن مرتبط گردند، و بقیه در پژوهش‌های دیگر مورد بهره‌برداری قرارگیرند. (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳ / شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲). این تم‌ها باید از حیث همگونی درونی و همگونی بیرونی، بررسی شود و حتی‌المقدور، باید تلاش کرد تا تعداد آنها از ۱۵ تم اصلی بیشتر نشود و از چهار تم نیز کمتر نباشد (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱ و ۱۸۲).

د. تبیین رابطه تم فراگیر با تم‌های اصلی

تم‌نهایی و فراگیر نیز بر اساس خط اصلی پژوهش و الگوی پارادایمی - که شامل شرایط، زمینه‌ها، پیامدها و راهبردها با تم‌های اصلی و فرعی و حتی داده‌ها می‌شود - شناسایی می‌گردد تا پژوهش از اعتبار واقع‌گرایانه برخوردار باشد. در این مرحله، همچنین قابلیت تعمیم تم‌ها نیز بررسی می‌شود (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۶ و ۱۳۱).

چهارم. تدوین و ارائه گزارش

در این مرحله، حکایت کامل و پیچیده مستتر در داده‌ها باید به گونه‌ای ترسیم شود که جامعه علمی درباره اعتبار و صلاحیت تحلیل متقاعد گردد و تحلیل بیان کوتاه، منسجم، منطقی و غیرتکراری و جالب برآمده از داده‌ها را در قالب مضامین، به گونه‌ای ارائه کند که دارای شواهد کافی باشد (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲ و ۱۸۳). گزارش باید شامل خلاصه کردن شبکه تم‌ها و بیان کوتاه، روشن و صریح آنها، استخراج نمونه‌های جالبی از داده‌ها، ارتباط برقرار کردن بین نتایج تحلیل با سؤال‌های پژوهش و مبانی نظری و نوشتن گزارش علمی و تخصصی تحلیل‌ها باشد، تا با معیارهایی همچون اعتباربخشی به جای اعتبارسنجی؛ انتقال‌پذیری به جای تعمیم‌پذیری؛ پی‌گیری انحراف به جای اطمینان‌پذیری؛ و صحت‌پذیری به جای بی‌طرفی ارزیابی گردد (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸ و ۱۸۶ / مهری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۳).

روش استنباطی - تحلیلی: ترکیب روش «اجتهادی» و «تحلیل تم»

مراد از «روش ترکیبی» در این پژوهش، ترکیب روش «اجتهادی» با روش «تحلیل تم» است. البته هر کدام از این دو نیز ممکن است روش ترکیبی محسوب شود (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵). روش «اجتهادی» به صورت متقن و علمی، با پالایش داده‌های متون دینی، و بررسی سندی داده‌ها و تحلیل آنها و بررسی دلالت داده‌ها و تحلیل آنها، با گام‌های منطقی، به ایجاد تم‌های اولیه و ترکیب آنها و ایجاد تم ثانویه تا مرحله رمزگذاری اولیه و ثانویه و تدوین زیرمقوله در تحلیل تم پیش می‌رود، و البته از آن به بعد - که به نظریه‌پردازی مربوط می‌شود - گامی جلو نمی‌نهد؛ زیرا براساس روش مرسوم در حوزه، برای استنباط یک حکم، ابتدا همه داده‌های مرتبط به موضوع جست‌وجو می‌شود که در «تحلیل تم» به این مرحله «مروری بر داده‌ها» گفته می‌شود، سپس سند روایات بررسی می‌گردد. آنگاه دلالت آیات قرآن و روایات و همچنین دلالت سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام بر اساس آیات و روایات دیگر و بر اساس قواعد فقهی و اصولی و نظر متخصصان دینی (اقوال علما) و همچنین دلالت قواعد فقهی، اصولی و عقلی بررسی می‌گردد (که نظیر خرد کردن و مفهوم‌پردازی در تحلیل تم است)؛ به این معنا که بخش‌های قرآنی و روایی افزای می‌گردند و مفاهیم از آنها استخراج می‌گردد و رمزی به آن اختصاص داده می‌شود. در نهایت، تم‌های فرعی حاصل می‌شوند و سپس با روش «تحلیل تم»،

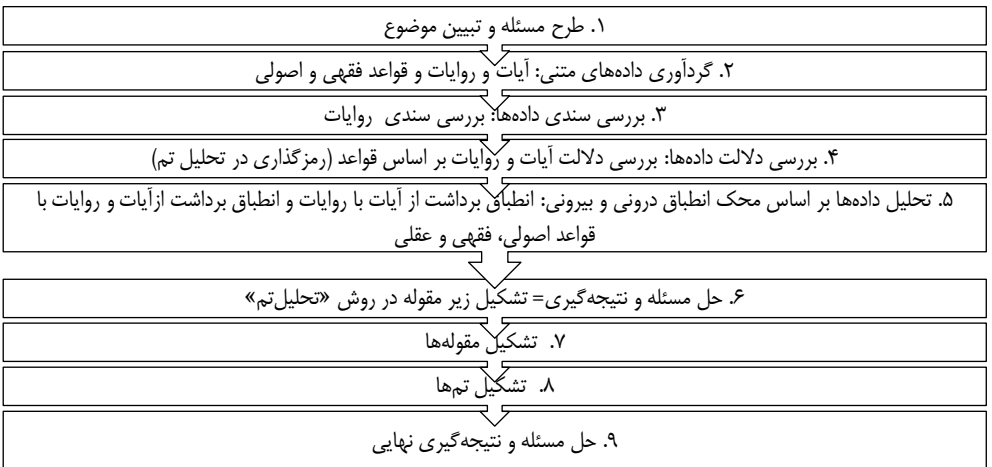
داده‌های رمزگذاری شده به طبقه‌های معنادار و منطقی یا تم‌های اصلی (با در نظر گرفتن سه ویژگی فراگیری، طرد متقابل و استقلال) تقسیم می‌شود و با تحلیل بیشتر، با روش «تحلیل تم»، مقوله‌ها و تم‌ها و روابط آنها، برای نظریه‌پردازی تکمیل می‌گردد. مراحل این دو روش در نمودار ذیل مقایسه شده است:



نمودار (۵): مقایسه گام‌های روش «اجتهادی» و روش «تحلیل تم»

بعد از مقایسه دو روش، با ترکیب آنها، روش جدید و معتبر دیگری تدوین می‌شود که روش «استنباطی - تحلیلی» نامیده شده است. این روش برای نظریه‌پردازی، نسبتاً در حوزه علوم اسلامی و انسانی کارا بوده، الگوی آن در شکل ذیل ارائه شده است:

گام‌های روش استنباطی - تحلیلی



نمودار (۶): مراحل روش «استنباطی - تحلیلی»

کاربرد روش «استنباطی - تحلیلی» در پژوهش‌های مدیریت اسلامی

روش «استنباطی - تحلیلی» روشی است که می‌توان از آن، در پژوهش‌های دینی مرتبط با علوم انسانی بهره‌برد. از آن‌رو، که مدیریت یکی از شاخه‌های مهم علوم انسانی است می‌توان از روش «استنباطی - تحلیلی» در پژوهش‌های مدیریت اسلامی استفاده کرد. با توجه به ویژگی‌ها و مشخصاتی که درباره این روش ارائه شده، به نظر می‌رسد این روش یکی از مناسب‌ترین روش‌ها برای تحقیقات مدیریت اسلامی است.

مراحل روش «استنباطی - تحلیلی»

مراحل کاربرد این روش به صورت گام به گام - همان‌گونه که در شکل ذیل آمده - در پژوهش‌های مدیریتی مبتنی بر داده‌های دینی، عبارت است از:



نمودار (۷): مراحل اجرای روش «استنباطی - تحلیلی» در پژوهش‌های مدیریتی

اول. طرح مسئله مدیریتی از منظر دینی

بر اساس این روش، مسئله مدیریتی از منظر دینی طرح می‌شود. هدف از به‌کارگیری این روش، نظریه‌پردازی در موضوعات مدیریتی از منظر دینی است. بنابراین، در اولین گام، باید مسئله مدیریتی به گونه‌ای تبیین شود که بتوان

بر اساس منابع دینی، درباره آن موضوع نظریه‌پردازی کرد. برای این کار، باید موضوع مدیریتی به خوبی تحلیل شود و مفاهیم اصلی آن مشخص گردد و ابعاد مهم آن تعیین شود. سپس لازم است مفاهیم و ابعاد استخراج‌شده از منظر دینی بررسی شود تا مشخص گردد که این مفاهیم و ابعاد با چه مفاهیم و موضوعاتی در دین مرتبط است. طبیعی است تا چنین کاری صورت نگیرد؛ نمی‌توان موضوع مدیریتی را از منظر دین دنبال نمود.

از جهت دیگر، مسئله باید دارای بعد کیفی باشد؛ زیرا مسائل صرفاً کمی در چارچوب این روش قابل بررسی نیست و روش خاص خود را می‌طلبد.

نکته آخر اینکه این روش برای مسائلی مناسب است که در سطح نظریه‌پردازی و تولید الگوی دینی باشد. همان‌گونه که در مباحث قبل مشخص شد، روش مرسوم اجتهادی برای پاسخ‌گویی به مسائل خرد و جزئی، روش مناسبی است و نیازی به ترکیب با روش «تحلیل تم» ندارد.

برای مثال، موضوع الگوی اجرای خطامشی توزیع مجدد، یک مسئله مدیریتی کلان است که می‌توان آن را از منظر دینی تبیین کرد. برای این کار باید مفاهیم اصلی و موضوعات مرتبط با این الگو استخراج و با مفاهیم و موضوعات دینی معادل‌سازی شود. برای نمونه، می‌توان گفت: که این مسئله مدیریتی با مفاهیمی مانند اموال، مالیات، صاحبان ثروت، و نیازمندان مرتبط است که از منظر دینی، می‌توان موضوعاتی مانند خمس، زکات، انفاق، و وقف را با آن دانست.

دوم. گردآوری داده‌های متنی ناظر به مسئله مدیریتی

پس از تحلیل مسئله مدیریتی از منظر دین و استخراج مفاهیم و موضوعات دینی مرتبط با مسئله مدیریتی، گام بعد گردآوری داده‌های متنی ناظر به موضوع مدیریتی است. مقصود از داده در اینجا، آیات، روایات و برداشت‌هایی است که علمای اسلامی از آیات و روایات داشته‌اند. برای دست‌یابی به این داده‌ها، محقق می‌تواند از معجم‌های لفظی استفاده کرده، الفاظ دینی مرتبط با موضوع مدیریتی را جست‌وجو نماید. همچنین می‌توان از معجم‌های موضوعی استفاده کرد و موضوعات دینی مرتبط با موضوع مدیریتی را در منابع یافت.

برای مثال، داده‌هایی که برای الگوی اجرای خطامشی توزیع مجدد لازم است از منابع دینی، از قبیل ابواب فقهی زکات، خمس، نذر، وقف، انفاق، فیه و انفال جمع‌آوری می‌شود. در مرحله جمع‌آوری داده‌ها، باید به این نکته توجه داشت که داده‌های جمع‌آوری شده الزاماً داده‌هایی نیست که به صورت صریح با موضوع مرتبط است؛ زیرا ممکن است برخی داده‌ها به صورت ضمنی با موضوعات مرتبط باشد که نباید از آنها غفلت کرد.

سوم. بررسی و تحلیل (نقد) سندی داده‌ها

در روش «اجتهادی»، به خاطر دور شدن داده‌ها از سرمنشأ اصلی که پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ هستند، بررسی سندی - یعنی: بررسی میزان احتمال صدور کلام از معصومان، - ضرورت دارد. البته قرآن به خاطر قطعی بودن

صدور و تواترش، به بررسی سندی نیازی ندارد؛ ولی در باب سنت (علاوه بر وجود این داده‌ها در منابع قابل اعتماد، مثل کتب معتبر روایی و تاریخی)، باید سند روایات نیز بررسی شود تا اتقان داده به عنوان قول معصوم، بررسی گردد. برای انجام این مرحله، مباحث گسترده‌ای در علم رجال و درایه مطرح شده که پرداختن به آنها خارج از حد این مقاله است. دربارهٔ مثال بیان شده، باید تا حد امکان، سند روایاتی را که برای بررسی الگوی اجرای خطمشی توزیع مجدد نیاز است، بررسی و تحلیل کرد.

چهارم. بررسی و تحلیل (نقد) دلالت داده‌ها

در این مرحله، پژوهشگر مدیریتی باید داده‌هایی را که از منابع دینی استخراج و جمع‌آوری کرده و از حیث سند بررسی نموده است، از حیث دلالت نیز بررسی کند. مراد از «بررسی دلالتی» این است که پژوهشگر واژگان، جمله‌ها و عبارتهایی را که به صورت داده گردآوری کرده است، از حیث ادبی (بررسی لغوی، صرفی و نحوی، و بلاغی)، منطقی، زمینه‌ای، و عرفی (نظیر ظهور، مجمل و مبین، عام و خاص، مطلق و مقید، مفهوم و ناسخ و منسوخ بودن)، بررسی کند تا دریابد که بر چه مفهومی دلالت دارند.

برای مثال، بررسی‌های ذکر شده را در خصوص داده‌ها، یعنی آیات و روایات مسئله «طراحی و تبیین الگوی اجرای خطمشی بر اساس ارزش‌های اسلامی با تأکید بر خطمشی توزیع مجدد»، که از متون روایی باب زکات، خمس، انفاق، نذر، وقف، فیه و انفال گردآوری شده است و همچنین آیات قرآن در خصوص آن مسئله را بررسی کند که دال بر چه مفهومی هستند و سپس آن مفاهیم را (به روش «تحلیل تم») نام و رمزگذاری کند، آنها را در جدولی به صورت جداگانه درج نماید، به منابع اصلی ارجاع دهد و مفهوم آنها را در جدول درج کند. البته اکتفا به این حد نیز بر اساس روش «اجتهادی» قابل قبول نیست و پژوهشگر باید هم‌نوایی درونی و بیرونی و ناهم‌نوایی داده‌ها را بر اساس قواعد ادبی، منطقی، زمینه‌ای و عرفی، تحلیل و نقد نماید. بنابراین، لازم است نقد را بر اساس قواعد شروع کند و استظهار نماید که داده مورد نظر از حیث لغت، چه مفهومی دارد؟ ساختار واژگان مبین چیست؟ مفهوم اولیه و ثانویه آن چیست؟ شأن نزول آیه و شأن صدور روایت چه بوده است؟ و از نگاه عرفی، بر چه چیزی ظهور دارد؟ تا چه حد مجمل است یا مبین؟ کدام داده عام و کدام خاص است؟ و دایرهٔ عام و خاص آن کدام است؟ کدام مطلق و کدام مقید است؟ کدام ناسخ و کدام منسوخ است؟ و نظایر آن.

پنجم. تحلیل داده‌ها بر اساس محک انطباق درونی و بیرونی

در این مرحله، پژوهشگر باید هم‌نوایی آیات با آیات؛ روایات با روایات؛ و آیات و روایات با قواعد اصولی، فقهی و عقلی را نیز بررسی کند و برداشت نهایی خود از آیات و روایات را با قواعد اصولی، فقهی و عقلی نیز محک بزند.

بدین سان، با بررسی و نقد داده‌های متقن و دارای مفهوم منسجم و عالی، می‌توان حاصل تحلیل‌ها را در جداولی درج کرد و بین آنها مقایسه کرد و تم‌های فرعی را استخراج نمود.

نشم. تشکیل زیرمقاله: حل مسئله و نتیجه‌گیری در روش «اجتهادی»

گام پنجم در روش «اجتهادی»، «حل مسئله و نتیجه‌گیری» است. در این مرحله، پژوهشگر بر اساس بررسی‌های انجام شده، مضمون راجح و مرجوح را بیان می‌دارد، از میان مضامین گوناگون، مضمونی را که از پشتیبانی داده‌های قوی‌تر برخوردار است، به منزله حکم نهایی برمی‌گزیند و حکم شرعی را در خصوص هر مسئله بیان می‌دارد و حل مسئله پایان می‌یابد. روش «اجتهادی» دیگر به مرحله «الگوسازی» وارد نمی‌شود. برای مثال، درباره مسئله پژوهشی الگوی اجرای خطمشی توزیع مجدد، مسئولیت روش «اجتهادی» این است که مشخص کند چه کسی باید زکات دهد، از چه زکات دهد؟ بطور زکات دهد؟ در چه زمانی زکات مشخص می‌گردد؟ درباره خمس نیز حکم اینکه چه کسی باید خمس بدهد؟ به چه کسی خمس تعلق می‌گیرد؟ در چه وقتی باید خمس داده شود؟ و از چه چیزی خمس داده می‌شود، معین می‌گردد. این احکام توسط روش «اجتهادی» از داده‌های دینی استخراج گردیده است. برای نمونه، ممکن است ۵۰۰ حکم مجزا برای تبیین احکام خمس، زکات، نذر، وقف، فیه و امثال آن بیان شود؛ ولی اینکه این گزاره‌های وجوبی یا استحبابی، چه ارتباطی با هم دارند و در چه الگویی جمع می‌شوند، وظیفه روش «اجتهادی» نیست. از این رو، باید برای ایجاد ارتباط و مؤلفه‌سازی از روش کیفی دیگری، مثل «تحلیل مضمون» استفاده کرد. روش «تحلیل مضمون» این احکام استنباط شده را کنار هم قرار می‌دهد و از شباهت و تفاوت آنها برای الگوسازی، مقوله‌های کلان‌تر می‌سازد؛ مثلاً، از وجوب و ندب به عنوان ابزار نرم اجرای خطمشی استفاده می‌کند؛ از گزاره‌هایی که می‌گوید زکات - مثلاً - از چه باشد به عنوان ابزار سخت و منبع مالی استفاده می‌کند و مقوله‌هایی حاصل می‌گردد که برای الگوسازی ضروری است؛ زیرا با ۵۰۰ حکم به الگو نمی‌توان رسید، مگر با ساده‌سازی و انتزاع بیشتر، که این امر با روش «تحلیل تم» امکان‌پذیر می‌گردد. بنابراین، در روش «تحلیل تم» و روش «استنباطی - تحلیلی»، حل مسئله مدیریتی ذکر شده در اینجا پایان نمی‌یابد، بلکه پژوهشگر در این مرحله، فقط مضامین اولیه را به دست آورده است تا بر اساس اشتراک‌ها و افتراق‌های مضامین و تم‌های فرعی، این مضامین را دسته بندی مجدد کند. بدین روی، این امر نیاز به مرحله بعد و تشکیل مقوله یا تم‌های اصلی دارد.

هفتم. تشکیل مقوله‌ها

بعد از تشکیل زیرمقاله‌ها و تم‌های فرعی از داده‌های دینی مربوط به مسئله مدیریتی، پژوهشگر برای رسیدن به نظریه‌ای در خصوص مسئله مدیریتی ذکر شده از دیدگاه اسلامی، تلاش می‌کند تا مرحله انتزاعی‌سازی را گسترش

دهد و بر اساس نظر خبرگان دینی و مدیریتی، تم‌ها و مضمون‌هایی را که به طور مستقیم از داده‌های دینی و مدیریتی به دست آورده است، بر اساس وجوه اشتراک واقفراق آنها، با هم ادغام و ترکیب کند.

این مرحله ذهن مدیریتی و دینی پژوهشگران و خبرگان را برای ساخت مفاهیم مدیریتی - دینی درگیر می‌کند تا مفاهیمی ساخته شود که در عین دینی بودن، از خصوصیت مدیریتی نیز برخوردار باشد. بدین روی، نتایج حاصل شده هم برای جامعه علمی دینی و هم برای جامعه علمی مدیریتی قابل فهم خواهد بود. بنابراین، اگر مضامین اصلی مدیریتی - دینی نباشند، محقق به هدف پژوهش خود نخواهد رسید. از این رو، در این مرحله نوعی آمیختگی تخصص مدیریتی و دینی ضرورت می‌یابد. علاوه بر ساخت مفاهیم و تم‌های اصلی، که انتزاع علمی (مدیریتی و دینی) از تم‌های فرعی است، محقق باید در حد توان و امکان، روابط بین تم‌ها را نیز بر اساس الگوی پارادایمی (یعنی: شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط میانجی، راهبردهای کنش / کنش متقابل و پیامدها) تبیین کند.

در این مرحله، نکته قابل توجه آن است که همه مؤلفه‌های این الگوی پارادایمی برای تبیین روابط، ممکن است بر اساس روش «استنباطی - تحلیلی» و تم‌های به دست آمده از داده‌های دینی در مدیریت، قابل اعمال نباشد؛ زیرا پژوهشگر نمی‌تواند شرایط علی را بر اساس تخصص و خبرگی خود تبیین کند و - به اصطلاح - عقل متخصص ممکن است نتواند به مصالح و مفاسد واقعی احکام راه پیدا کند. البته اگر در داده‌ها، ناظر بر علت باشد، می‌توان به آن به منزله علت حکم استناد کرد؛ ولی در غیر این صورت، نه. این در حالی است که بر اساس روش «تحلیل تم»، دست پژوهشگر برای تبیین روابط بیشتر باز است، و می‌تواند بر اساس الگوی ذکر شده، حتی المقدور روابط بیشتری را تبیین کند.

هشتم. تشکیل تم‌ها

در این مرحله، پژوهشگر دینی و مدیریتی به تعداد معدودی از تم‌های اصلی رسیده است. او باید تم‌هایش را حتی المقدور کاهش دهد تا به الگو و نظریه‌ای اصلی برسد. توجه به این نکته مهم است که بنیان نظریه‌پردازی و الگوسازی، معطوف به ساده‌سازی واقعیت‌های پیچیده است. پس پژوهشگر باید تلاش کند تا با تفکر خلاق دینی و مدیریتی، که پژوهشگران و خبرگان دینی و مدیریتی از آن برخوردارند، پدیده‌های واقعی را در قالب چند مفهوم انتزاعی (بیانگر آن پدیده‌های واقعی‌اند)، مفهوم‌پردازی کرده، تم یا تم‌های فراگیری را خلق و ایجاد کند. در این مرحله، باید بر اساس الگوی پارادایمی (یعنی: شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط میانجی، راهبردهای کنش / کنش متقابل و پیامدها) روابط بین تم‌های فراگیر و تم‌های اصلی تبیین گردد. ولی با توجه به همان نکته‌ای که در مرحله قبل بیان شد، ممکن است همه مؤلفه‌های الگوی پارادایمی برای تبیین روابط تم‌های اصلی و فراگیر قابل اعمال نباشد. این مرحله - در واقع - پایان مرحله روش «استنباطی - تحلیلی» است که با منعکس کردن گزارش پژوهش به جامعه علمی پایان می‌یابد.

نهم. ارائه گزارش تحقیق و پایان پژوهش

پژوهش بر اساس روش «استنباطی - تحلیلی» در مرحله قبل عملاً به پایان رسیده است؛ ولی برای دریافت انعکاس جامعه علمی و ارزیابی پژوهش از سوی نخبگان دینی و مدیریتی، یافته‌های پژوهش باید در قالبی پژوهشی، به جامعه علمی عرضه گردد تا نخبگان دینی و مدیریتی بتوانند نقدهای علمی خود را درباره پژوهش ابراز دارند پژوهشگر و مجتهد با تأمل درباره نقد و نظرهای ارائه شده، می‌تواند نکاتی را که لازم است، اصلاح کند، و در پایان، نتایج پژوهش را در قالب مناسب منتشر سازد و در اختیار جامعه علمی قرار دهد.

جمع‌بندی و نتیجه

روش «اجتهادی» متداول در حوزه، اگرچه روش متقنی در پژوهش‌های دینی است، اما برای نظریه‌پردازی در حوزه‌های علوم انسانی، از جمله مدیریت، روش کاملی نیست و بدون تکمیل با روش‌های دیگر، نمی‌توان از آن انتظار نظریه‌پردازی داشت.

روش «تحلیل تم» نیز به تنهایی در پژوهش‌های اسلامی، از جمله پژوهش‌های مدیریت اسلامی، قابل به‌کارگیری نیست؛ زیرا صرفاً می‌تواند با استفاده از داده‌های متقن، به تولید الگو نظریه پردازد. این در حالی است که رسیدن به داده‌های متقن در پژوهش‌های اسلامی، کار آسانی نیست و نیازمند به‌کارگیری روش «اجتهادی» است. ترکیب روش «اجتهادی» مرسوم در حوزه با روش «تحلیل تم» می‌تواند یکی از راه‌های دستیابی به الگو و نظریه در پژوهش‌های مدیریت اسلامی باشد.

مراحل روش «استنباطی - تحلیلی» گام به گام در پژوهش‌های مدیریتی قابل اجرا بوده و روشی متقن برای پژوهش‌های مدیریتی از دیدگاه اسلامی است.

منابع

- ابن اثیر، ۱۳۷۶، *مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر*، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- ابن منظور، محمدبن مکرم ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- احمدی، علی اکبر و دیگران، ۱۳۹۳، «طراحی و تبیین الگوی مفهومی شایستگی‌های منابع انسانی در نهج البلاغه با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون و ISM»، *مطالعات راهبردی بسیج*، س ۱۷، ش ۶۴، ص ۲۷ - ۵۵.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت، ۱۳۸۴، «اصول روش پژوهش کیفی: نظریه مبانی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها»، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آل‌غفور، محسن، ۱۳۸۴، «اجتهاد و تقلید در اندیشه عالمان شیعه»، *علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۳۱، ص ۹۹ - ۱۲۰.
- آن، لوینز و سیلور، کریستینا، ۱۳۸۹، «راهنمای گام به گام استفاده از نرم افزار MAXqda2 در پژوهش کیفی»، ترجمه ابوالفضل رضائی، تهران، جامعه شناسان.
- بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة فی احکام عتره الطاهرة*، بی تا، قم، جامعه مدرسین.
- جصاص رازی، ابوبکر احمدبن علی، ۵۱۴۲۰ ق، *اصول الجصاص*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۳، «تاریخ اجتهاد و تقلید از سید مرتضی تا شهید ثانی و تأثیر آن در اندیشه سیاسی شیعه»، *علوم سیاسی*، قم، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۲۷، ص ۱۵۷ - ۱۹۲.
- جمعی از نویسندگان، دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۲، تهران، مؤسسه دایرةالمعارف تشیع.
- جناتی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۵، «رأی گزایی در اجتهاد»، *کیهان اندیشه*، ش ۹، ص ۹ - ۲۲.
- حبالله، عبدالرحمن، ۱۳۷۹، «جایگاه اجتهاد در حل مسائل پیچیده نوین حقوقی»، ترجمه محمدتقی اکبری، مشکوه، ش ۶۶، ص ۱۰۲ - ۱۱۴.
- حسینی، حمیدرضا و همکاران، ۱۳۸۹، «بخش چهارم: مدل شناسی: تحلیل مکانیزم اجتهاد به مثابه مدلی برای تولید علوم انسانی اسلامی»، مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، ش ۱، ص ۱۶۳ - ۱۸۸.
- حسینی، احمد، ۱۳۷۸، «نگاهی به سبک اجتهادی محقق خوانساری»، *فقه*، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۱۱ - ۴۶.
- خان محمدی، هادی، و همکاران، ۱۳۹۳، «الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج البلاغه»، *مدیریت سازمان‌های دولتی*، س ۲، ش ۷، ص ۲۵ - ۴۸.
- خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۱۵، *کفایة الاصول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- رדادی، محسن و دیگران، ۱۳۹۴، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، جستارهای سیاسی معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۶، ش ۳، ص ۵۳ - ۷۲.
- روشندل ارتباطی و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی آسیب شناسانه فرایند سیاست‌گذاری در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران»، *مدیریت دولتی*، دوره ۴، ش ۱۰، ص ۷۹ - ۱۰۰.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۶۹، *اصول الحدیث و احکامه*، قم، حوزه علمیه قم.
- سعدآبادی، علی اصغر و همکاران، ۱۳۹۲، *مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت در پرتو رهنمودهای امام علی*، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت.
- شیخ‌زاده، محمد و دیگران، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، س ۵، ش ۲، ش پپ ۱۰، ص ۱۵۱.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله و همکاران، ۱۳۷۳، «روش اجتهادی فقها»، *نقد و نظر*، ش ۱، ص ۲۱۳ - ۲۶۶.

صفرلکی، شمس‌الله، ۱۳۸۹، «نقش اجتهاد در فرآیند تولید علم»، مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، ۱۳۸۹، ش ۱، ص ۱۸۹ - ۲۱۲.

عاملی، زین‌الدین، ۱۴۰۸ق، *الرعاية فی علم الدراییة*، قم، مرعشی نجفی.

عباسیان، عزت‌الله و همکاران «شناسایی عوامل مؤثر بر مزیت رقابتی شرکت‌های فعال در صنعت ساختمان»، اقتصاد مسکن.

علی‌پور، مهدی، ۱۳۸۵، «آخباری‌گری به مثابه روش اجتهادی (نگاهی به یک پارادوکس نما)»، پژوهش و حوزه، ش ۲۷ - ۲۸، ص ۱۸۶ - ۲۱۶.

غزالی، محمد، المستصفی من علم الاصول، (به همراه شرح مسلم الثبوت فی اصول الفقه)، دارالفکر للطباعة و النشر، بی‌تا.

فیرحی، داود، ۱۳۷۸، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران، نشر نی.

قوامی، صمصام‌الدین، ۱۳۹۱، *فقه الاداره (۱)*، قم، حوزه و دانشگاه.

گروسی، سعیده و همکاران، «تبیین تجربه زیسته زنان وابسته به مواد مخدر از پدیده اعتیاد، جامعه‌شناسی زنان، س ۲، ش ۱، ص ۵۵.

حلی، شیخ‌نجم‌الدین، ۱۴۰۳ ه ق، *معارج الاصول*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

مرادی، مرتضی، ۱۳۹۳، «گذر پارادایمی از پژوهش‌های کمی به پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی، *رهیافت*، ش ۷۵، ص ۹۳ - ۱۱۶.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، *دائرةالمعارف فقه مقارن*، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.

مهری، کریم و همکاران، ۱۳۹۲، «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک، قدرت نرم، س ۴،

ش ۱۰، ب و ت، ص ۷۵ - ۹۷.

نقی‌پورفر، ولی‌الله، ۱۳۸۲، *مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهشگاه مدیریت اسلامی.